

زمانی در گوشه‌ای لباس‌های بسته‌بندی شده است و در گوشه‌ای دیگر روی رگال‌های لباس‌های مرتب و اتوکشیده قرار گرفته‌اند. خانواده‌ها طبق قرار قبلی اینجا حضور دارند تا با حفظ کرامت آن‌ها به انتخاب خود لباسی را اختیار کنند. این لباس‌ها نتایج لطف خیران نیست بلکه حاصل تلاش جمعی از خیر خواهان است که آن‌ها را تفکیک، تمیز و آماده کرده‌اند تا به دست اهلبش برسانند. خیر به همسایه آفتاب، در محله کلاهدوز که نزدیک به ۶ سال است سابقه فعالیت در امور خیریه دارد و سال است که در کنار اهدای لباس‌های نو اقدام به آماده‌سازی و ارائه پوشاک دسته‌دوم به خانواده‌های مددجو کرده است.

#### ● شست و شو و ضد عفونی لباس‌ها

محمد رضای رضانی، مدیر عامل خیریه همسایه آفتاب، با اشاره به رسالت خدمت‌رسانی به مردم بیان کرد: این خیریه نزدیک به ۶ سال است که به مددجویان زیر پوشش خود خدمات معیشتی، پزشکی، عمرانی، تحصیلی، حقوقی، فرهنگی، مشاوره، مناسبتی و... ارائه می‌دهد. این مددجویان در سطوح و سطوح و سطوح مختلف تقسیم‌بندی شده‌اند. او با اشاره به اهدای لباس به مددجویان گفت: در گذشته افراد لباس‌های دسته‌دوم خود را برای اهدا به نیازمندان نزد ما می‌آوردند. این لباس‌ها در حد نو قابل استفاده بود. ما نیز پوشاک را در میان نیازمندان شهر و حتی روستاهای اطراف که متقاضی بودند توزیع می‌کردیم. دو سال است که نحوه توزیع تغییر کرده است. رضانی در این باره توضیح داد: در حال حاضر لباس‌های قابل استفاده و ناقص ابتدا تفکیک شده و در دو قسمت زنانه و مردانه از یکدیگر جدا می‌شود. لباس‌هایی که قابلیت تعمیر داشته باشند نیز رفومی شود.

مدیر عامل خیریه همسایه آفتاب ادامه داد: پوشاک پس از تفکیک ضد عفونی، شست و شو، خشک شویی و اتومی شود. بخشی روی رگال و بخشی هم بسته‌بندی می‌شود. برای این امر بانوان فعال محله‌های کارآمده اند و بدون هیچ چشم‌داشتی خدمت می‌کنند. او یاد آور شد: همواره سعی شده است لباس‌هایی به مددجویان اهدا شود که در شان آن‌ها باشد. اکنون مددجویان با نظر و سلیقه خود لباس را انتخاب می‌کنند و این گونه کرامت آن‌ها نیز حفظ می‌شود. رضانی ۹۰ درصد مددجویان را بانوان سرپرست خانوار بر شمرد و بیان کرد: در این مجموعه هر مددجو علاوه بر دریافت لباس دسته‌دوم یک لباس نو نیز هدیه می‌گیرد. این امر در مناسبت‌هایی مانند سال نو با تعداد بیشتری همراه است. او خاطر نشان کرد: پوشاک دسته‌دوم علاوه بر مددجویان زیر پوشش مجموعه به مساجد دیگر و روستاهای اطراف ارسال می‌شود. دریافت لباس‌های دسته‌دوم با انتخاب مددجویان است و تاکنون با رضایت همراه بوده است.

رضانی با اشاره به مشارکت اهالی محله کلاهدوز ابراز کرد: ساکنان محله ضمن اهدای لباس در شستن لباس‌ها نیز کمک می‌کنند. انجام این کار فرآیند زمان‌بری است و به کمک نیروهای فعال و اجتماعی به نتیجه می‌رسد.

او افزود: همچنین مسجد امام جعفر صادق<sup>(ع)</sup> و بسیج انجام‌آدر این راه همراهی می‌کنند و تنها فضا را اختیار مقرر داده‌اند بلکه مارا در بهتر انجام‌شدن کار هم‌یاری می‌کنند.

رضانی بر مثبت بودن اهدای لباس دسته‌دوم تأکید کرد و گفت: این کار کریمانه‌تر است الگویی برای دیگر مساجد شود. شهر ما بیشترین حاشیه‌نشینی را دارد و افراد بسیاری هستند که لباس دسته‌دوم برای آن‌ها مانند لباس نو است. بنابراین راه‌اندازی چنین جایی در هر محله نتیجه‌بخش خواهد بود.

در محله کلاهدوز با حفظ کرامت مددجویان اهدای پوشاک انجام می‌شود

## کار خیر «همسایه آفتاب»



امید  
محله

حسین

برادران فرابیش

از یک سال و نیم است که بیماری مرموز و خطرناک کرونا به جانمان افتاده و خانواده‌های زیادی را درگیر و عزادار کرده است. بسیاری از خانواده‌هایی که به این بیماری مبتلا شده‌اند، تمایلی به گفت‌وگو درباره نحوه مبتلا شدن نشان ندارند. بعد از پیگیری‌های زیاد، محمد غدیری در این باره راضی به گفت‌وگو شد. پدری که در جریان کرونا تنها فرزندش را از دست داد.

#### ● بی‌احتیاطی در درس‌ساز

محمد غدیری در محله عبادی مغازه سوپری دارد. چون شغل او به گونه‌ای است که با مردم سروکار دارد از همان ابتدای شیوع کرونا سعی کرده مراقب سلامتی‌اش باشد. او می‌گوید: با آمدن کرونا همیشه در مغازه ماسک می‌زدم و فاصله اجتماعی را رعایت می‌کردم. پول نقد قبول نمی‌کردم و به افراد بدون ماسک حتی اجازه نمی‌دادم که به مغازه وارد شوند.

او ادامه می‌دهد: با شیوع کرونا و از زمانی که مدارس تعطیل شده بود (بعضی گلویش را می‌گیرد) مهدی پسر من که دبیرستانی بود به کمک می‌آمد و چند ساعتی را در مغازه می‌ماند. او تمایلی به ماسک زدن نداشت چون باعث تنگی نفسش می‌شد. من بارها و بارها او را بدون ماسک در مغازه می‌دیدم و با نا احتی از او می‌خواستیم که ماسک بزند و مواظب سلامتی خودش باشد. اما مهدی با خنده می‌گفت: بابا کرونا مال پیرمردهاست. من که جوانم کرونا نمی‌گیرم.

#### ● خانوادگی بستری شدیم

اولین نشانه‌های بیماری کرونا در مهدی همراه با سرفه‌های خشک بروز می‌کند. اما چون فصل زمستان است، خانواده فکر می‌کنند یک سرما خوردگی ساده است و اهمیتی به موضوع نمی‌دهند. این ماجرا سبب می‌شود که همه افراد خانواده که شامل پدر، مادر و پسر بزرگ ۸۰ ساله خانواده است به بیماری کرونا مبتلا شوند. غدیری می‌گوید: پدرم که بعد از فوت مادرم با ما زندگی می‌کرد، گرفتار سرفه و بدن درد شدید شد. وقتی پدر را برای درمان به درمانگاه محله بردیم از آزمایش گرفتند و نتیجه مثبت اعلام شد.

#### ● همه کرونا گرفتیم

دکتر در مانگاه گفت از همه خانواده باید آزمایش گرفته شود. کرونای همه‌مان مثبت شده بود. به دستور دکتر در بخش بیماران کرونایی بیمارستان امام رضا<sup>(ع)</sup> بستری شدیم. روزهای بسیار سختی بر ما گذشت. بعد از گذشت ۲ هفته حال من، همسر و پدرم بهتر شد. از بیمارستان مرخص و در قرنطینه خانگی بودیم. اما چون بیماری به ریه‌های مهدی آسیب زده بود همچنان بستری بود.

یک روز از بیمارستان به ما خبر دادند که ریه‌های پسر من از کار افتاده و فوت کرده است. همه ما حتی پدر ۸۰ ساله‌ام زنده مانده بودیم. اما مهدی که حتی فکر کروناراهم نمی‌کرد، فوت کرد و از میان ما رفت.

کرونا  
زندگی

گفت‌وگو با ساکن محله عبادی که کووید ۱۹ تنها فرزندش را از او گرفت

## کرونا پیر و جوان نمی‌شناسد



منطقه